



علیه آتش زدن قرآن یا برای حمایت از طالبان؛

نماز گزاران مجبور به اشتراک در راه پیمایی شده اند



در سه روز گذشته ۱۷ ولایت کشور گواه راه پیمایی‌های اعتراضی بوده‌اند؛ صداهایی که ظاهراً ناراضیانی شهروندان نسبت به آتش زدن نسخه‌های از قرآن توسط یک سیاستمدار افراطی دنمارکی - سوئدنی را نشان می‌دهند. شماری از نماز گزاران در ولایت‌های سمنگان، بلخ و جوزجان اما می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان پس از ادای نماز جمعه، آنان را مجبور کرده که در راه پیمایی ضد سوئدن اشتراک کنند. به گفته منابع، طالبان بیرق و شعارهایی که در حمایت از این گروه بوده را به...

۵

سنگ‌شکنی که کفاش شد؛

شیردل: بیشتر روزها دست خالی به خانه برمی‌گردم

۵



اخذ امتحان دینی از دادستان‌ها؛

طالبان چه چیزی پرسیده‌اند؟

۳

افزایش ۴.۶۰ درصدی واردات افغانستان از پاکستان



با این حال، نظر به گزارش آسوشیتدپرس حجم واردات افغانستان از پاکستان به صورت ماهانه رشد داشته است. در همین حال، واردات و صادرات به افغانستان نیز در ماه‌های جولای و دسامبر سال ۲۰۲۲، کاهش ۸۵.۳۴ درصدی داشته است. از سوی هم، براساس ارقام، تجارت کالا و خدمات با افغانستان در ماه جولای تا دسامبر

۸ صبح، کابل: گزارش‌های تازه از مبادلات تجاری میان افغانستان و پاکستان، حکایت از افزایش واردات افغانستان از پاکستان نسبت به سال گذشته دارد. شعبه پاکستان آسوشیتدپرس روز جمعه، ۷ دلو، به نقل از بانک مرکزی پاکستان گزارش داده که صادرات کالا و خدمات پاکستان به افغانستان در نیمه اول سال مالی ۲۰۲۲ نسبت به دوره مشابه در ۲۰۲۱ رشد ۴۶۰ درصدی را نشان می‌دهد. بانک مرکزی پاکستان مجموع صادرات پاکستان به افغانستان را ۲۵۱،۵۸۰ میلیون دالر در ماه‌های جولای تا دسامبر ۲۰۲۲ اعلام کرده است. این رقم ۲۴۰،۵۰۴ میلیون دالر دالر در ماه جولای تا دسامبر ۲۰۲۱ بود که نشان‌دهنده رشد ۲،۸۳ درصدی است. اطلاعات این بانک همچنان نشان می‌دهد که صادرات سالانه پاکستان به افغانستان رشد ۱۵،۷۱ درصدی داشته است.

رینا امیری:

افغانستان با زنان و مردان با استعداد خود می‌تواند در مسیر صلح و رفاه باشد

نبرند، افغانستان با زنان و مردان فوق‌العاده با استعداد خود نیز می‌تواند در مسیر صلح و رفاه باشد. این در حالی است که هدر باره، مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر، نیز گفته است که «سیاست آپارتاید جنسیتی» این گروه در افغانستان در حال حاضر مردم را می‌کشد. بیش از یک ماه از فرمان ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی از سوی طالبان می‌گذرد. این اقدام طالبان واکنش‌های داخلی و خارجی را خلق کرده است.



۸ صبح، کابل: نماینده ویژه آمریکا برای زنان افغانستان گفته است که افغانستان با زنان و مردان فوق‌العاده با استعداد خود می‌تواند در مسیر صلح و رفاه باشد. رینا امیری، نماینده ویژه آمریکا برای زنان افغانستان، جمعه‌شب، ۷ دلو، با نشر توییتی این موضوع را بیان کرده است. او با یادآوری از قطر گفته است که زنان در این کشور به‌طور مساوی به تحصیل دسترسی دارند که به آن‌ها فرصت موفقیت می‌دهد. خانم امیری نگاشته است: «اگر طالبان با احکام سرکوب‌گرانه این پتانسیل را از بین

طالبان در بلخ تصویب‌برداری در محل‌های خوشی را ممنوع کردند

۸ صبح، بلخ: منابع محلی در ولایت بلخ می‌گویند که طالبان با ارسال نامه‌ای رسمی به مالکان سالون‌های عروسی در این ولایت، اعلام کرده‌اند که تصویب‌برداری در محل‌های خوشی ممنوع است. منابع محلی روز جمعه، ۷ دلو، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که ریاست امر به معروف طالبان در ادامه وضع محدودیت‌ها، این بار به مالکان سالون‌های عروسی هشدار داده است که از تصویب‌برداری در محفل‌های جلویی کنند، در غیر آن با متخلفان برخورد «شرعی» و «قانونی» صورت خواهد گرفت. منابع می‌افزایند که مسوولان ریاست امر به معروف گروه طالبان در بلخ به مالکان سالون‌های عروسی گفته‌اند که در مساجد سالون‌های عروسی ملاامان را استخدام کنند و باید تمامی اشتراک‌کننده‌گان محافل در جماعت برای ادای نماز اشتراک ورزند. این در حالی است که طالبان چندی پیش فعالیت سالون‌های عروسی را در ولایت سمنگان متوقف کرده‌اند. به گفته منابع، این ریاست علت این کار را جلوگیری از «فحشا» و «تطبیق شریعت اسلامی» بیان می‌کند.



طالبی که می‌گوید حکومت طالبانی عواقب خطرناک دارد

ملا عبدالسلام ضعیف، از بنیان‌گذاران امارت طالبان است. او از پانزده‌سالگی در اوایل دهه ۸۰ میلادی زمانی که با خانواده‌اش به پاکستان کوچیده بود، به گفته خودش بعد از آموزش‌های نظامی در...



۶

طالبان در کاپیسا ۱۰ عضو حزب التحریر را بازداشت کردند



۲

ضرورت تفکیک افغانستان و طالبان

امارت طالبان را هیچ کشور و سازمان معتبر بین‌المللی به رسمیت نشناخته است؛ چرا که پاک کردن آن‌همه سابقه خون‌بار تروریستی و مواضع ضدبشری این گروه از ذهن مردم جهان آسان نیست. حتا آنانی که به سپردن قدرت به طالبان کمک کردند و تا تسلیمی کابل آن گروه را یاری رساندند، برای‌شان آسان نیست که امارت گروهی با ویژه‌گی‌ها و شهرت طالبان را چون بازیگر عادی و رسمی نظام بین‌الملل ببینند. کراهت را در گفتار و رفتار خیلی از مقام‌های امریکایی و هم‌تایان اروپایی‌شان هنگام صحبت از سازش‌هایی که با طالبان کرده‌اند، می‌توان این روزها به روشنی دید. اما، این وضعیت رسمیت و مواضع فردی سیاست‌مدارانی است که پشت تریبون و در رسانه‌ها نمی‌توانند ننگ هم‌سوئی با طالبان را برای خود بخزند. در عمل و در نقش دولت‌ها و نهادها، خیلی از آن‌ها با اداره طالبان چون دولت رفتار می‌کنند، برایش پول می‌دهند، با مقاماتش پشت میز گفت‌وگو و مذاکره می‌نشینند، مشوره می‌دهند، مطالباتی مطرح می‌نمایند و خواهان اصلاح سیاست‌هایش می‌شوند. از آنان با عنوان حکومت سرپرست و مقام‌های حاکم یاد می‌کنند و نام «امارت» طالبان را معادل افغانستان می‌خوانند. در میان افغان‌های به ظاهر ضد طالب نیز کسانی می‌گویند تحریم طالبان و وارد کردن فشار بر آن گروه، کشور و مردم ما را آسیب می‌رساند، بنابراین جامعه جهانی باید با آن اداره همکاری کند تا رنج و عذاب مردم کشور کاهش یابد. هم‌خارجیانی که اصطلاح مقام‌های حاکم بر زبان‌شان است و هم وطن‌دارانی که این گروه را واقعیت افغانستان عنوان کرده و جهان را تشویق به تعامل با آن می‌کنند، نقاب واقع‌گرایی می‌پوشند. اما باید پرسید که گروه طالبان واقعیت افغانستان است و باید با آن کنار آمد یا نیروی تحمیل‌شده بر مردم ما و محصول پروژه‌های منطقه‌ای و جهانی می‌باشد؟ تن دادن به طالبان چون «واقعیت» چه دورنمایی را پیش روی مردم ما قرار می‌دهد؟ و آیا با نظام طالبانی می‌توان رنج و عذاب مردم را کاهش داد؟

با تمام سازش‌ها و معاملاتی که جریان دارد، دولت‌ها و سیاست‌مداران جهان اتفاق نظر دارند که طالبان آفت و منبع شر بزرگی برای افغانستان و جهان‌اند. نام آن گروه در سیاست و دیپلماسی معادل عقب‌مانده، بنیادگرا، ضدزن، متعصب و ضد مدنیست است و نشانه‌های بسیاری دیده می‌شود که کشورهای منطقه و جهان برای سرریزی آفت‌های ناشی از حاکمیت طالبان از افغانستان به بیرون آماده‌گی می‌گیرند. آنانی که امروز کنار طالبان ایستاده‌اند و با پول، دیپلماسی و استخبارات از آن حمایت می‌کنند، نیز به آن گروه چون ابزار موقت یک بازی سیاسی نگاه می‌کنند که عاقبت خیری نخواهد داشت. لذا گره زدن آینده افغانستان با نام چنین گروه بدنام و ابزاری و ذکر آن گروه چون واقعیت این کشور، نه واقع‌بینانه است و نه درست. فشار بر طالبان و تحریم آن گروه به سود مردم افغانستان است؛ چرا که هرچه عمر آن منبع شر کوتاه شود، احتمال برگشت اداره و زنده‌گی به مسیر عادی در کشور ما بیشتر می‌شود. در عین حال جهان و سازمان‌های بین‌المللی مسؤلیت دارند تا میان مردم افغانستان و گروه طالبان تفکیک قابل شوند. آنان نباید با سازش، تمویل و مامشات زمینه عادی‌سازی شر طالب را فراهم سازند و این امید واهی را تبلیغ کنند که با پرداخت پول و امتیاز می‌کوشند مانع اجرای سیاست‌های ضدبشری آن گروه گردند و اصلاح‌ش کنند. از سیاست‌مداران و فعالان مدنی افغانستان نیز انتظار می‌رود که به دام این توهم نیفتند که سازش با طالبان رنج مردم افغانستان را کاهش خواهد داد. این فریب سال‌ها تبلیغ شد و تجربه زنده امید بستن به مذاکرات صلح، موافقت‌نامه دوحه، طالبان نوین و ایجاد حکومت همه‌شمول را فراموش نکنیم. نتیجه آن‌همه سازش و عقب‌نشینی وضعیتی شده است که بازگشایی مکاتب، رفتن به پارک، آزادی حمام کردن و فرصت یک لحظه آوازخوانی و تفریح برای میلیون‌ها هم‌وطن ما آرزوهای دست‌نیافتنی گشته است.

امریکا یک رهبر ارشد داعش و حامی مالی حمله بر میدان هوایی کابل را در سومالیا هدف قرار داد

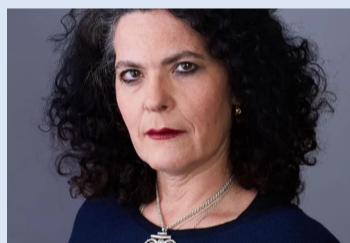


۸صبح، کابل: مقام‌های امریکایی گفته‌اند که کماندوهای ارتش این کشور یکی از رهبران ارشد گروه داعش را در سومالیا کشته‌اند. نیویارک تایمز به نقل از وزارت دفاع امریکا نوشته است که بلال السودانی، یکی از رهبران ارشد داعش و از حامیان برجسته این گروه در سراسر افریقا، اروپا و شاخه خراسان داعش را روز پنج‌شنبه، ۶ دلو، در یک حمله هوایی در منطقه دورافتاده پوتلند در شمال سومالیا کشته‌اند. لوید آستین، وزیر دفاع امریکا در بیانیه‌ای گفته است: «السودانی مسئول تقویت حضور فزاینده داعش در افریقا و تامین مالی عملیات این گروه در سراسر جهان، از جمله افغانستان بود.» به گفته پنتاگون، السودانی حمله بر کمپ ابی میدان هوایی کابل را که منجر به کشته شدن ۱۳ سرباز امریکایی و ده‌ها شهروند افغانستان شد را حمایت

مالی کرده است. مقام‌های دولت بایدن گفته‌اند که در این حمله به غیرنظامیان آسیبی نرسیده است. در حمله نیروهای ویژه امریکا بر مقر داعش در سومالیا، افزون بر السودانی دست کم ۱۰ عضو دیگر این گروه نیز کشته شده‌اند. از مخفی‌گاه السودانی، شماری از کمپیوترهای لپ‌تاپ، هارد دیسک، تلفن‌های همراه و سایر اطلاعات به دست آمده که می‌تواند نکاتی را برای عملیات‌های ضد تروریستی آینده ارایه کند. در حمله داعش بر کمپ ابی میدان هوایی کابل در ماه اگست سال ۲۰۲۱ هنگام روند تخلیه که هزاران شهروند افغانستان پس از ورود طالبان به کابل برای خروج از کشور در آنجا جمع شده بودند، ده‌ها شهروند کشور جان باختند و ۱۳ سرباز امریکایی کشته شدند.

هدر باز: «سیاست آپارتاید جنسیتی» طالبان مردم را می‌کشد

هدر باز، مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر، روز جمعه، ۷ دلو، با نشر توییتی نوشته است: «زن‌ستیزی مرگبار چیزی است که طالبان برای آن جنگیدند.» گفتنی است که بیش از یک ماه از فرمان ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی می‌گذرد. این اقدام طالبان واکنش‌های داخلی و خارجی را به همراه داشته است. نهادهای امدادگران هشدار داده‌اند که با توجه به افزایش فقر و سرمای شدید در زمستان، ممنوعیت کار زنان بحران بشری در افغانستان را شدت می‌بخشد.



۸صبح، کابل: مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر در مورد ممنوعیت کار زنان توسط طالبان گفته است که «سیاست آپارتاید جنسیتی» این گروه در افغانستان در حال حاضر مردم را می‌کشد.

سازمان صحتی جهان:

۱۷ تن در نتیجه شیوع «عفونت حلاتنفسی» در پامیر بدخشان جان باختند

۸صبح، کابل: بخش افغانستان سازمان صحتی جهان گفته است که در نتیجه شیوع یک «عفونت حلاتنفسی» در پامیر بزرگ بدخشان، دست کم ۱۷ تن جان باختند.

این سازمان روز پنج‌شنبه، ۶ دلو، با نشر توییتی نگاشته است که ۹۷ تن از باشندگان پامیر به این بیماری مبتلا شده‌اند.

به گفته سازمان صحتی جهان، این سازمان با

طالبان در کاپیسا ۱۰ عضو حزب التحریر را بازداشت کردند

تا کنون از سرنوشت آنان خبری نیست. به گفته منابع، این افراد هنگامی بازداشت و زندانی شده‌اند که برای یک جلسه درسی حزبی گرد هم آمده بودند.

طالبان و حزب التحریر تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که اعضای حزب التحریر در کاپیسا در اوایل تسلط طالبان از این گروه استقبال و حمایت کرده بودند؛ اما چند ماه بعد، این گروه فعالیت حزب التحریر، جمعیت اصلاح و نجم را ممنوع اعلام کرده است.



۸صبح، کاپیسا: نیروهای استخبارات طالبان در ولایت کاپیسا ۱۰ تن از اعضای حزب التحریر را در این ولایت بازداشت کردند. منابع روز جمعه، ۷ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان این افراد را نه روز پیش از روستای نواباد، از مربوطات مرکز کاپیسا، بازداشت کرده‌اند و

طالبان در بغلان دو نظامی حکومت پیشین را کشتند

۸صبح، بغلان: منابع محلی در ولایت بغلان می‌گویند که طالبان دو نظامی حکومت پیشین را در این ولایت کشته و یک نظامی دیگر را زخمی کرده‌اند.

منابع روز جمعه، ۷ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که نظامیان کشته‌شده سیف‌الله و امید نام داشتند و زمانی از سوی دو طالب موترسایکل‌سوار در ساحه حسین‌خیل ناحیه هشتم شهر پل‌خمی به ضرب گلوله کشته شدند که در کوچه خود گشت می‌زدند.

به گفته منابع، یک نظامی پیشین دیگر به نام دولت‌خان که پسر کاکای سیف‌الله است، در این حمله زخمی شده است.

منابع معلومات می‌دهند که در پیوند به این رویداد دو جنگ‌جوی طالب از سوی این گروه بازداشت شده‌اند.

گفتنی است که پیش از این نیز طالبان همواره دست به بازداشت، شکنجه و در بسا موارد قتل نظامیان حکومت پیشین زده‌اند.

این در حالی است که چندی قبل یک نظامی پیشین به نام مجاهد بارک در ولایت قندهار کشته شده بود.

نزدیکان مجاهد گفته بودند که او از سوی طالبان کشته شده است.



اعتراض به سوزاندن قرآن؛

باشنده‌گان بلخ: با بسته

شدن دکان‌ها با مشکل

مواجه شده‌ایم

۸صبح، کابل: در پی به آتش کشیده شدن نسخه‌هایی از قرآن در سویدن و هالند، شماری از شهروندان کشور در ولایات مختلف از سوی طالبان وادار به اشتراک در تجمع‌های اعتراضی شده‌اند.

یکی از باشندگان ولایت بلخ روز جمعه، ۷ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که طالبان دکان‌داران را با جبر وادار به اشتراک در اعتراضاتی کردند که این گروه در شهر مزار شریف راه‌اندازی کرده بودند.

این باشندگان شهر مزارشرف می‌گویند که طالبان به تمام دکان‌داران و باشندگان این شهر دستور داده بودند که پس از برگزاری نماز جمعه در اعتراضات اشتراک کنند.

به گفته وی، این گروه به دکان‌داران گفته بود که اگر در اعتراضات اشتراک نکنند، حق باز کردن دکان‌های‌شان را ندارند.

او می‌گوید که مسدود بودن دکان‌ها از سوی طالبان آنان را با مشکل مواجه کرده است.

طالبان در شماری از ولایات دیگر نیز تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

گفتنی است که هفته گذشته نسخه‌هایی از قرآن کریم از سوی دو سیاست‌مدار افراطی در سویدن و هالند به آتش کشیده شد که اعتراضات و واکنش‌های زیادی را به همراه داشت.



اخذ امتحان دین از دادستان‌ها؛

طالبان چه چیزی پرسیده‌اند؟

ابراهیم کاوه (نام مستعار) یکی از دادستانان کشور است که در حال حاضر زیر حاکمیت طالبان کار می‌کند. او می‌گوید: «طالبان چیزهایی را در ارتباط به بی‌دینی و بددینی کسانی که به نحوی با نظام قبلی در ارتباط بوده‌اند، به خودشان تلقین کرده و آن را پذیرفته‌اند. [طالبان] فکر می‌کنند با کسانی مواجه شده‌اند که هیچ چیزی از دین و دین‌داری، حتا این مسایل پیش‌پاافتاده را نمی‌دانند.»



طالبان در ادامه آزمون‌های دینی از کارمندان اداره‌های دولتی، این بار از دادستان‌ها امتحان گرفته‌اند؛ کسانی که بر مسند تحقیق و تعقیب جرایم نشست‌اند. روزنامه ۸صبح به پرسش‌نامه و جزوه‌های آموزشی طالبان دست یافته است که نشان می‌دهد این گروه علاوه بر اخذ آزمون دینی از دادستان‌ها، مسایل ابتدایی اسلامی را نیز برای آنان تدریس می‌کند. چگونه استنگ، وضو و غسل از موارد عمده آموزشی است که به دادستان‌های پیشین که اکنون زیر حاکمیت طالبان کار می‌کنند، تدریس می‌شود. یکی از جزوه‌هایی که به شکل پرسش و پاسخ ترتیب شده و برای دادستان‌ها آموزش داده می‌شود، «تعلیم الاسلام» نام دارد. شماری از دادستان‌ها به روزنامه ۸صبح می‌گویند که در این جزوه مسایل ابتدایی آموزه‌های دینی درج شده که هر مسلمان تا سن بلوغ آن را فرا می‌گیرد. دادستان‌ها به این باورند که طالبان ارزشی به دانش حقوقی و مسلکی آنان قایل نیستند، به آنان به چشم «غیرخودی» می‌بینند و فکر می‌کنند کسانی که در نظام جمهوری کار کرده‌اند، از مسایل دینی چیزی نمی‌دانند.



امین کاوه

شرط اول نماز، بیان غسل، بیان مسح بر موزه‌ها، حکم مسح بر زخم، بیان استنجا و بیان حکم آب‌ها از جمله آب چاه‌ها از بخش‌های دومی جزوه درسی طالبان برای تدریس دادستان‌ها است.

بخش سوم و قسمت اول این جزوه را توحید، ولایت و اولیای خدا و معجزه و کرامت تشکیل می‌دهد. قسمت دوم این بخش شامل فرائض و سنت‌های وضو، مستحبات وضو، شستن‌های وضو، مسایل غسل، نجاست و استنجا، تیمم، پوشیدن عورت و سایر مکلفیت‌هایی که در نماز رعایت شود، گنجانده شده است. در بخش چهارم بیان کفر و شرک، بیان بدعت‌ها و گناهان ذکر شده است. بخش‌های دیگر آن به اعمال اسلامی و شستن‌های وضو و نماز و روزه اختصاص داده شده است. این جزوه ۱۸۵ صفحه دارد و به شکل پرسش و پاسخ تهیه و ترتیب شده است. نخستین پرسش آن این‌گونه آغاز شده است: «تو کیستی؟» در پاسخ آمده است: «من مسلمانم». پرسش و پاسخ‌های جالب در این جزوه مطرح شده، اما در این گزارش تنها به گزینیه‌های خاصی پرداخته شده است. پرسش سی و چهارم آن، چنین مطرح شده است: «هنگام نماز، روی آدمی به کدام طرف باید باشد؟» در پاسخ گفته شده که «قبله» و به ادامه آن نگاشته شده که ایران در قسمت جنوب‌غربی آن قرار دارد.

در پرسش سی و سوم آن آمده است: «به شستن دست و صورت و پاها که پیش از نماز انجام می‌گیرد، چه می‌گویند؟» در پاسخ آن «وضو» گفته شده که بدون آن نماز صحیح خوانده نمی‌شود. در پرسش ۱۰۸ آن آمده است: «غسل یعنی چه؟» در پاسخ آمده است که شستن تمام بدن را غسل گویند.

پرسش ۲۱۲ آن در مورد شستن دست‌ها در هنگام وضو است. در این جزوه در مورد کسی سوال شده که شش انگشت دارد. در پرسش آمده است: «اگر کسی شش انگشت داشت، شستن انگشت ششم الزامی است یا خیر؟» در پاسخ آمده است: «آری، الزامی است.» همچنان در پرسش دیگری گفته شده است که شستن داخل چشم هم فرض است یا خیر؟ در پاسخ آمده است که شستن داخل چشم فرض نیست.

با این‌همه، شماری از دادستان‌های پیشین در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گویند که هر مسلمانی پیش از بلوغ و فرض شدن نماز بر او، این مسایل را می‌داند و نیاز نیست در نهادهای تخصصی نیز آن را به‌گونه اجباری برای کسانی تدریس کنند که یک عمر عبادت کرده و بر بنیاد احکام شرعی و قانونی وظیفه تحقیق و تعقیب جرایم را برعهده داشته‌اند. به گفته آنان، طالبان باید زمینه آموزش‌های مسلکی و حقوقی و تحقیق و تعقیب جرایم را که از وظایف اساسی و کلیدی دادستانی است، فراهم کنند، نه مسایلی که هر مسلمان آن را در کودکی می‌آموزد.

هرچند طالبان روند اخذ امتحان و آموزش‌های عقیدتی را در بیشتر نهادهای دولتی تحت حاکمیت خود آغاز کرده‌اند و کارمندان اداره‌های دولتی مجبورند این آزمون‌ها و آموزش‌ها را سپری کنند، اما بیشتر آنان این اقدام طالبان را اهانت به شخصیت خود توصیف می‌کنند.

پیش از این روزنامه ۸صبح به اطلاعاتی دست یافته بود که نشان می‌داد این گروه در امتحان دینی از آموزگاران مکتب‌ها نیز چنین پرسش‌هایی را مطرح کرده است. آن زمان شماری از آموزگاران به روزنامه ۸صبح این اقدام طالبان را بی‌حرمتی به جایگاه آموزگار توصیف کرده و تأکید داشتند که نباید چنین برخورد تحقیرآمیزی با آنان صورت بگیرد. این در حالی است که براساس دستور ملا هبیت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، صلاحیت «تحقیق و نظارت» از دادستانی کل گرفته شده است.

مسلمان باشد، مکتب و دانشگاه و ستاژ قضایی را خوانده باشد، نماز و وضو را یاد نداشته باشد؟ این‌ها [طالبان] بیایند از یک دادستان امتحان تیمم و وضو بگیرند، این توهین نیست؟ طالب‌ها فکر می‌کنند که هیچ کسی جز خودشان مسلمان نیست. طالبان با ما به چشم غیرمسلمان می‌بینند و در صدد این هستند که از اداره‌های دولتی مدرسه بسازند.»

ابراهیم کاوه (نام مستعار) یکی از دادستانان کشور است که در حال حاضر زیر حاکمیت طالبان کار می‌کند. او می‌گوید: «طالبان چیزهایی را در ارتباط به بی‌دینی و بددینی کسانی که به نحوی با نظام قبلی در ارتباط بوده‌اند، به خودشان تلقین کرده و آن را پذیرفته‌اند. [طالبان] فکر می‌کنند با کسانی مواجه شده‌اند که هیچ چیزی از دین و دین‌داری، حتا این مسایل پیش‌پاافتاده را نمی‌دانند.» این دادستان می‌افزاید: «طالبان ارزشی به دانش حقوق و مسلک دادستانی قابل نیستند. سارنوالان و اعضای مسلکی سارنوالی را غیرخودی می‌پندارند و هیچ دورنمایی برای تقویت و رشد مهارت‌های حقوقی اعضای این نهاد ندارند. به نظرم این برخوردشان برای تحقیر کسانی است که به زعم آنان، دانش غیرشرعی (حقوق) خوانده‌اند.»

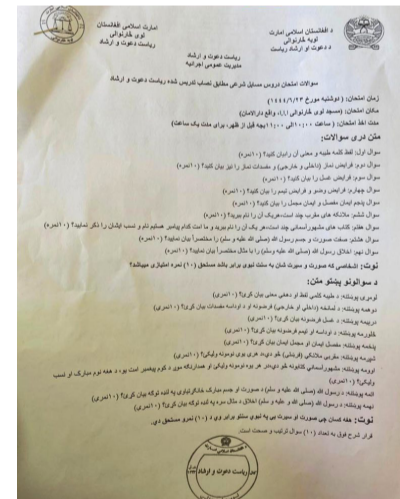
کدام مسایل دینی به دادستان‌ها تدریس می‌شود؟

در همین حال چندین دادستان در صحبت با روزنامه ۸صبح تأیید می‌کنند که از طرف مبلغان طالبان برای‌شان مسایل نماز و آموزش‌های ابتدایی که هر مسلمان آن را در خانه می‌آموزد، درس داده می‌شود. یکی از جزوه‌های درسی که این گروه به دادستان‌ها تدریس می‌کند، «تعلیم الاسلام» نام دارد. این جزوه براساس فقه مذهب حنفی از سوی «علامه مفتی کفایت‌الله دهلوی» تألیف شده و ابوالحسین عبدالمجید مرادزی خاشی آن را به فارسی برگردان کرده است. این جزوه، چهار بخش دارد. بخش اول آن در مورد چگونه‌گی اذان، روش وضو و روش ادای نماز است. قسمت دوم بخش اول این کتاب را موارد عقیدتی تشکیل می‌دهد. فرشته‌گان، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، قیامت، تقدیر و زنده‌گی پس از مرگ سرفصل‌های این بخش است. آموزش احکام اسلامی،

ملایکه‌های مقرب مطرح و خواسته شده که از آنان نام گرفته شود. پرسش هفتم چنین مطرح شده است: «کتاب‌های مشهور آسمانی چند است، هریک را نام ببرید و ما امت کدام پیامبر هستیم، نام و نسب ایشان را ذکر کنید؟» صفت صورت و جسم پیامبر پرسش هشتم این پرسش‌نامه طالبان را تشکیل می‌دهد. در پرسش نهم از اشتراک‌کننده‌گان خواسته شده که اخلاقی پیامبر اسلام را به شکل مختصر بیان کنند و در گزینه یادداشت آن تذکر رفته، کسانی که «صورت و سیرت» شان به سنت نبوی برابر باشد، مستحق ۱۰ نمره امتیازی‌اند. شماری از دادستانان که نمی‌خواهند نام‌شان در گزارش ذکر شود، تأیید می‌کنند که این ۱۰ نمره به کسانی داده می‌شود که ریش و لنگی داشته باشند.

واکنش و دیدگاه دادستان‌ها

شماری از دادستان‌هایی که در دوره جمهوری در بخش تعقیب پرونده‌های جرمی وظیفه اجرا می‌کردند و اکنون نیز در کابل و ولایت‌های شمال کشور زیر حاکمیت طالبان به کار خود ادامه می‌دهند، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که در هفته‌های دو روز به وظیفه خواسته می‌شوند و در این دو روز طالبان برای‌شان آموزش‌های ابتدایی دینی را ارائه می‌کند. ترجمه یک سوره از قرآن کریم و چگونه‌گی گرفتن وضو و تیمم از مسایل کلیدی آموزش طالبان به دادستان‌ها است. همچنان یک دادستان دیگر می‌گوید که طالبان به شعور و دانش دادستان‌ها توهین می‌کنند و آنان از روی مجبوریت و هراس از زندان و زولانه این اهانت را قبول می‌کنند. او می‌پرسد: «چطور می‌شود کسی که حکم بازداشت یک متهم به جرایم را صادر کند،



طالبان پیش از این از اکثر کارمندان دولتی امتحان دینی گرفته‌اند. معلمان و کارمندان وزارت خارجه نیز از جمله کسانی‌اند که امتحان دینی طالبان را سپری کرده‌اند و چگونه‌گی اخذ امتحان آنان در رسانه‌ها بازتاب گسترده یافته است. به‌تازگی طالبان از دادستان‌های پیشین که اکنون تحت حاکمیت این گروه در دادستانی کل کار می‌کنند، نیز آزمون دینی گرفته‌اند.

پرسش‌نامه‌ای به دسترس روزنامه ۸صبح قرار گرفته که نشان می‌دهد این گروه روز دوشنبه، ۲۶ جدی، از کارمندان دادستانی کل تحت کنترل خود امتحان دینی گرفته است. این پرسش‌نامه حاوی نه پرسشی است که در مسجد دادستانی کل این گروه در ساحه دارالامان کابل از دادستان‌ها پرسیده شده است. هر پرسش این پارچه آزمون ۱۰ نمره دارد و ۱۰ نمره امتیازی برای افرادی در نظر گرفته شده است که «صورت و سیرت» خود را طبق سنت آراسته‌اند. نخستین پرسش از دادستان‌ها این بوده که «کلمه طیبه» را بیان کنند. پرسش چنین مطرح شده است: «لفظ کلمه طیبه و معنای آن را بیان کنید.»

در پرسش‌های دوم، سوم و چهارم به ترتیب فرائض نماز، وضو و تیمم پرسیده شده است. در پرسش پنجم این پرسش‌نامه آمده است: «ایمان مفصل و ایمان مجمل را بیان کنید.» همچنان در پرسش ششم تعداد



افغانستان متأسفانه کشوری است که جنبش‌های پویای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن فرصت رشد و پخته‌گی نیافته و بارها در نطفه سرکوب شده‌اند و احزاب و سازمان‌های دارای اندیشه‌های پیش‌رو در محیط فسادزا، قراردادی و عقب‌مانده به حاشیه رانده شده و یا آلوده گشته‌اند. از این رو کشور ما در پنج دهه گذشته با کاریکاتوری از سیاست‌ورزی روبه‌رو بوده است. بسیاری از سیاست‌مردان این کشور افرادی به‌شدت متظاهر، دوروی، دروغگو و فاسد بوده‌اند که هدفشان از سیاست و رسیدن به کرسی و مقام، چیزی جز سوءاستفاده شخصی و در راستای تقویت کیش شخصیت‌شان نبوده است.

ماراتون تظاهر و خودنمایی؛

سیاست‌مداران بی‌ریشه و اتکا بر حمایت خارجی

سنجر سهیل

به دلایل متعدد، هم برای حکومتی‌ها و هم برای سیاست‌مداران خارج از حکومت یک مزیت و نیز یک فرصت بود. اما توجه بیش از حد به تماس با خارجی‌ها و جلب حمایت آنان، فرصت اصلی تماس با مردم و ایجاد حرکت‌ها و نهادهای دارای پیوند مردمی را از دولت و سیاست‌مداران گرفت. دولت‌مردان و سیاست‌پیشه‌ها به انسان‌های منزوی، مغرور، بی‌رابطه با مردم و گرفتار انواع توهمات بدل شدند و مردم را از خود راندند. پیروزی طالبان و ریشه دواندن تندروی در سراسر کشور، محصول همین اتکای بیش از حد بر منابع و حامیان خارجی و بی‌توجهی به مردم بود. مردمی که پس از سقوط حاکمیت طالبان در سال ۲۰۰۱ با هیجان و شوق تمام به آغاز یک عصر تازه در کشور امید بسته بودند و از روندهای دموکراتیک استقبال می‌کردند، با گذشت زمان ناامید شدند.

متقلب اعظم، اشرف غنی احمدزی، به دلیل این‌که بر کرسی ریاست جمهوری لمیده بود، از نخستین افرادی بود که مقام‌ها و نماینده‌گان دیپلماتیک کشورها با وی ملاقات می‌کردند. به دنبال آن، ریاست شورای عالی مصالحه، شورای ملی و به

در سال‌های پسین جمهوری، ملاقات با نماینده‌گان دیپلماتیک کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، در میان سیاسیون افغانستان به یک فرصت کلان برای تظاهر و تبلیغ بدل شده بود. هرازگاهی که اشرف غنی، آن متقلب بزرگ که دو بار بر کرسی ریاست جمهوری با ثقل و حمایت خارجی تکیه زد، با یکی از نماینده‌گان دیپلماتیک کشورهای غربی دیدار و ملاقات می‌کرد، خبرهای آن را دم و دستگاه تبلیغاتی ارگ به‌سرعت پخش می‌کردند تا نشان بدهند که اشرف غنی فرد مهمی است و نماینده‌گان کشورهای خارجی برای دیدار و ملاقات با وی پیوسته به ارگ می‌آیند. در میان رقبای اشرف غنی، به‌ویژه آنانی که هم‌چشمی مستقیم با وی داشتند، از جمله داکتر عبدالله عبدالله، حامد کرزی، عطامحمد نور، محمد محقق و بسیاری دیگر، پخش تصاویر و ویدیوهای ملاقات‌های اشرف غنی جنب‌وجوش فراوان ایجاد می‌کرد و آنان نیز تلاش می‌کردند تا با همان مقام یا دیپلمات خارجی و یا یک شخصیت دیگر که از لحاظ جایگاه سیاسی و دیپلماتیک با فردی که اشرف غنی ملاقات کرده بود، هم‌تراز بود، ملاقات کنند تا به این صورت آنان نیز بتوانند چند قطعه عکس و ویدیو از ملاقات خود پخش کنند.

آن روزها، ما در اتاق خبر ۸ صبح، وقتی با انبوهی از اخبار دیدارهای سیاست‌مداران افغانستان با مقام‌ها و دیپلمات‌های خارجی مواجه می‌شدیم، به شوخی به هم‌دیگر می‌گفتیم که «چرا فلائی خان عکس خودش را با سفیر پاکستان نشر نمی‌کند».

واقعیت این بود که در سال‌های پسین جمهوریت و پس از کاهش گسترده نیروهای بین‌المللی در افغانستان، رفت‌وآمد نماینده‌گان دیپلماتیک بسیاری از کشورهای به کابل، کاهش یافت. شمار اندکی از مقام‌های خارجی که هنوز به دلیل حضور نظامی‌شان به افغانستان رفت‌وآمد می‌کردند، به شمول مقام‌های حکومتی، می‌خواستند با شماری از سیاست‌مردان خارج از حکومت نیز دیدار کنند. برخی به این باور بودند که به دلیل حضور گسترده نظامی خارجی‌ها در افغانستان و نیز به دلیل این‌که بخش عمده‌ای از بودجه ملی، دفاعی، انکشافی و خدمات برای افغانستان از سوی کشورهای دارای نیروی امنیتی در افغانستان تامین می‌شد، دیدار و ملاقات با نماینده‌گان دیپلماتیک آن کشورها،

اصطلاح فرماندهان و رهبران جهادی و در رده‌های سوم و چهارم شماری از صاحبان شرکت‌های تجاری و سازمان‌های غیرحکومتی نیز با این افراد دیدار می‌کردند. اشرف غنی با شیوه دوگانه‌ای که در برخورد با خارجی‌ها و داخلی‌ها اتخاذ کرده بود، آخرین میخ فاصله را بر تابوت رابطه دولت و ملت کوبید. او در ملاقات با خارجی‌ها می‌کوشید با فاکت و گزارش و استدلال سخن بگوید و برای هر مجلس مهم تمام دم و دستگاش را بسیج می‌کرد تا برایش سند و فاکت بدهند، اما در صحبت با مردم می‌کوشید خیال‌پردازی کند، دروغ بیاورد و توهم خلق کند. حتا لحن سخنانش در این دو عرصه تفاوت داشت. در صحبت با خارجی‌ها آرام و آهسته صحبت می‌کرد، اما در خطاب به مردم با دشنام، عریده و فریاد گپ می‌زد. مردم تمام این جریان‌ها را از طریق رسانه‌ها شاهد بودند و به تدریج آخرین علایق و امیدهای‌شان را نیز از آن دستگاه متقلب و منزوی و سیاست‌مداران بی‌ریشه‌اش بریدند. در ماه‌های پایانی عمر جمهوری اسلامی، سکوت و نظاره‌گری مردم، حاکمان و سیاست‌مداران را متحیر ساخته بود. فریاد و هیجانی که گاهی از ارگ برمی‌خاست، در درون اجتماع همراهی نمی‌شد و عاقبت دولتی که مقام‌هایش تنها به حمایت و رضایت خارجی‌ها چشم دوخته بودند، با پایان آن حمایت‌ها با دستگاه تا دندان مسلح و خزانه نسبتاً پر اما بی‌نیرو و ریشه بدل شد و فروریخت.

من و بسیاری‌های دیگر به یاد داریم که بخش عمده‌ای از انرژی، تمرکز و تلاش سخنگویان و اداره‌های روابط عامه نهادهای حکومتی به جای آرایه معلومات به شهروندان و مقابله با جنگ روانی طالبان، مصروف تهیه خبر، گزارش، ویدیو و عکس دیدارهای رییس‌ان و آمران‌شان بود. سیاست‌مداران خارج از حکومت نیز با استخدام ده‌ها کارمند مطبوعاتی و ده‌ها به اصطلاح «فیس‌بوک چلونکی»، پول زیادی را صرف تبلیغات و پروپاگاندا می‌کردند تا به این ترتیب در افکار عامه داخل و خارج، خود را محبوب و مهم جلوه دهند.

متأسفانه این ماراتون تظاهر و خودنمایی پس از دو سال از شکست و فروپاشی شرم‌آور جمهوری اسلامی افغانستان، هنوز در میان سیاست‌گران تبعیدی ادامه دارد. چنان‌چه هریک از این فراریان و شکست‌خورده‌گان که از عوامل عمده فروپاشی نظام جمهوری اسلامی افغانستان هستند، هرازگاهی که با یک مامور درجه چندم یک کشور خارجی دیدار می‌کنند، با سرعت عکس‌های خود را از طریق رسانه‌های اجتماعی پخش می‌کنند تا به اصطلاح اهمیت خود را به رخ رقیب بکشند و به افکار عامه داخل و خارج چنان وانمود کنند که گویا هنوز آنان در نزد «خارجی‌ها» اهمیت دارند و یا به گفته یک دوست «هنوز به لحاظ سیاسی زنده‌اند».

افغانستان متأسفانه کشوری است که جنبش‌های

پویای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن فرصت رشد و پخته‌گی نیافته و بارها در نطفه سرکوب شده‌اند و احزاب و سازمان‌های دارای اندیشه‌های پیش‌رو در محیط فسادزا، قراردادی و عقب‌مانده به حاشیه رانده شده و یا آلوده گشته‌اند. از این رو کشور ما در پنج دهه گذشته با کاریکاتوری از سیاست‌ورزی روبه‌رو بوده است. بسیاری از سیاست‌مردان این کشور افرادی به‌شدت متظاهر، دوروی، دروغگو و فاسد بوده‌اند که هدفشان از سیاست و رسیدن به کرسی و مقام، چیزی جز سوءاستفاده شخصی و در راستای تقویت کیش شخصیت‌شان نبوده است. در کشورهای که سیاست به عمل مسوولانه و ارزشمند بدل شده است، سیاست‌مردان در کنار کاریزمای شخصی باید دارای اندیشه‌های بزرگ و برنامه‌های جدی برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توده‌ها باشند. از لحاظ شخصیتی نیز سیاست‌مداران در کشورهای دموکراتیک و باز، مردمان دارای سوابق خوب مالی، رفتارهای خوب انسانی و سابقه کار رضاکارانه در جوامع خود هستند. آنان از طریق مبارزه رهایی‌بخش از سطح کوچه، روستا، مسجد، کلیسا، حزب سیاسی و یا گروه‌های اجتماعی و مدنی در یک روند طبیعی به حوزه سیاست عملی وارد می‌شوند. سوابق یک شخصیت سیاسی در یک کشور دموکراتیک، نه‌تنها برای رای‌دهنده‌گان دارای اهمیت خاص است، بلکه مکانیسم‌های حقوقی و قانونی نیز وجود دارد تا مبدا افراد ناباب و دارای سوابق جرمی، اخلاقی و مالی وارد حوزه سیاست عملی شوند. حتا در برخی کشورهای دموکراتیک، افرادی که دارای سوابق جرمی مانند قتل، دزدی، فساد و تجاوز جنسی به‌ویژه تجاوز جنسی به کودکان هستند، یا برای دوره‌های مشخص و یا برای تمام عمر، از احراز هر گونه پست دولتی محروم‌اند. حتا در سکتور خصوصی بسیاری از کشورهای دنیا، یکی از شروط استخدام برای کارهای بسیار معمولی، داشتن یک گواهی‌نامه سوابق جرمی است که باید نشان بدهد فردی که در یک پست استخدام می‌شود، گذشته پاک و بدون جرم داشته است.

حاکمیت طالبان فرصتی برای بازاندیشی است. نسل نو سیاست‌مداران، فعالان اجتماعی، هنرمندان و اهل تخصص باید آن درس مهم و حیاتی را فراموش نکنند که از بی‌توجهی به رای و خواست مردم و اتکای بیش از حد بر منابع و حمایت‌های خارجی آموختیم. هیچ حرکت سیاسی و اجتماعی‌ای بدون ریشه دواندن در درون جامعه نمی‌تواند به ثمر نشیند. حرکت‌ها، احزاب و سازمان‌های امروز ما باید محصول درس‌هایی باشد که در بیش از چهار دهه بحران، به‌خصوص در بیست سال اخیر، آموخته‌ایم. نخستین و مهم‌ترین درس این است که سیاست را از تظاهر و خودنمایی نجات دهیم و به جای اتکا بر خارجی‌ها، به نیروی مردم متوسل شویم.

سنگشکنی که کفاش شد؛

شیردل:

بیشتر روزها دست خاله به خانه برمی‌گردد

شیردل شش فرزند قد و نیم‌قد دارد و همسرش به بیماری عصبی مبتلا است. خودش نیز با بیماری قلبی دست‌وپنجه نرم می‌کند و می‌گوید توان خرید ادویه و مراجعه به شفاخانه را ندارد. او در گوشه‌ای از شهر چای‌کار زنده‌گی می‌کند. برای شرح بیشتر وضعیتش می‌گوید: «در خانه کسی رایگان نشسته‌ایم و از ما کرایه نمی‌گیرد. خانه ما خشک‌وخالی است. نان کافی برای خوردن و چوب و زغال سوخت نداریم.»



۸ صبح، پروان

نان کافی برای خوردن و چوب و زغال سوخت نداریم. صندلی ما بیشتر روزها یخ (سرد) است. من به جز خودم دیگر نان‌آور در خانه ندارم. از پولی که به دست می‌آورم، نمی‌توانم خانم و خودم را تداوی کنم. چهار هزار و ۵۰۰ افغانی به خاطر تداوی همسرم از یکی قرض گرفته‌ام، معلوم نیست که چه وقت او نفر پولش را طلب می‌کند. روزانه ۵۰ تا ۱۰۰ افغانی که کار می‌کنم، برای خانم پیچکاری می‌خرم.»

کار شیردل همانند کاسبی‌های دیگر بیشتر به اقتصاد باشندگان منطقه وابسته است. او توضیح می‌دهد که بیشتر باشندگان پروان به دلیل گسترش فقر و بیکاری، شوق پالش کفش و توان پینه‌دوزی آن را هم ندارند. او علاوه می‌کند: «در بیشتر از یک‌ونیم سال گذشته بسیار بیکاری شده، مردم پول ندارند. من روزانه نفرهایی که از این مسیر رفت‌وآمد می‌کنند، صدا می‌زنم که بیایید بوت‌های‌تان را رنگ کنیم، اما مردم برایم می‌گویند که کاکا تو از دل گرمت گپ می‌زنی، کجا است پیسه، فقط که مفت رنگ می‌کنی، برو ایلا ما کن.»

او از دردهایش می‌گوید: «از این حرف‌ها بیشتر زیاد نگران می‌شوم و با خود می‌گویم که چه کار کنم. خودم مریض، خانم مریض، حال اقتصادی ما خوب نیست. مردم هم توان کمک کردن بیشتر را ندارند. کمک‌های زیاد سرازیر می‌شود، اما برای ما به‌گونه درست نمی‌رسد. به بعضی مردم‌های دیگر شده، اما مانگرفته‌ایم.»

تنها شیردل نیست که در فصل سرما با مشکلات اقتصادی و نبود کار دست‌وپنجه نرم می‌کند، بلکه هزاران کاسب دیگر نیز در این ولایت با چنین مشکلات اقتصادی و نبود کار مواجه‌اند. بیشتر کاسبی‌ها به دلیل بحران اقتصادی موجود در کشور و توقف چرخش پول در بازارها با رکود مواجه‌اند و طالبان نمی‌توانند با سیاست‌های کنونی این معضل را برطرف کنند.

فقر روزافزون قدرت خرید و درآمد شهروندان را به شدت کاسته است. بر بنیاد گزارش‌ها، کارگران زیادی در کشور هستند که روزها نمی‌توانند نان خشک برای کودکان‌شان تهیه کنند و شب‌ها با اعضای خانواده خود گرسنه می‌خوابند. قدرت خرید مردم به شکل بی‌پیشینه‌ای پایین آمده است. نرخ بیکاری نیز رو به افزایش است و هم‌روزه صف بیکاران و گرسنه‌گان در کشور درازتر می‌شود. طالبان در یک سال گذشته نه‌تنها هیچ برنامه‌ای برای بهبود وضعیت زنده‌گی مردم ازایه نکرده‌اند، بلکه در توزیع کمک‌های جامعه جهانی و سازمان‌های کمک‌کننده نیز گزینشی برخورد می‌کنند.

چندی پیش، مسوول کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد اعلام کرد که ۱۹ میلیون تن در افغانستان با گرسنه‌گی حاد مواجه‌اند. مارتن گرفتس، مسوول کمک‌های بشردوستانه این سازمان، در صحبت با رسانه‌ها گفت که از میان این ۱۹ میلیون شهروند افغانستان، دست‌کم ۶۶ میلیون تن آنان به کمک‌های فوری نیاز دارند. این مقام سازمان ملل متحد تأکید کرد که کمک‌های بشردوستانه چاره‌ساز مشکلات افغانستان نیست و نیاز است که اقتصاد، نظام بانکی و خدمات اولیه در این کشور تقویت شود.

اول صبح است و خورشید نسبت به روزها دیگر زمستان مهربان‌تر می‌درخشد. ابرهای پراکنده در گوشه‌های آسمان آبی به چشم می‌خورند، اما شهر چاریکار نسبت به روزهای دیگر آفتابی‌تر است. یکی برای خرید و دیگری برای باز کردن دروازه دکانش به بازار آمده است. مردی با لباس گردآلود در کنار جاده‌ای در مقابل دکانی نشسته و سرگرم کفافی است. در حالی که از سرمای جان‌سوز زمستان در خود پیچیده، روی زمین سرد نشسته است و کفشی را پینه می‌زند؛ کفشی که از ناداری صاحبش حکایت دارد. کاسبی کوچک این مرد و سروصورتش از وضعیت اقتصادی نابه‌سامان خانواده‌اش حکایت دارد. خودم را به او معرفی می‌کنم و راضی می‌شود با من صحبت کند. نامش شیردل است و حدود ۴۷ سال سن دارد. شیردل ۲۵ سال در منطقه خواجه‌سیاران شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان، سنگشکنی کرده، اما اکنون بیماری قلبی، کهولت سن و نشانه‌های پیری توان سنگشکنی را از او گرفته است. او دیگر نمی‌تواند با چکش آهنین روی صخره‌های سنگ بکوبد.



شیردل زمانی که درک می‌کند دیگر توان انجام کارهای دشوار را ندارد، به شغل کفافی رو می‌آورد تا لقمه‌ای نان برای خود و اعضای خانواده‌اش پیدا کند. او بیش از هفت سال می‌شود که در این شهر کفافی می‌کند. این روزها اما گسترش فقر و افزایش بیکاری در کشور روی کاروبارش تأثیرات منفی گذاشته است. با چشمان خیره و گلوی پر از بغض می‌گوید که تا پیش از حاکمیت طالبان بر کشور روزانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ افغانی درآمد داشته است، اما در ماه‌های پسین بیشتر روزها با دستان خالی به خانه برمی‌گردد. می‌افزاید: «بعد از این که سن‌وسالم بالا رفت و دیگر توان سنگشکنی را نداشتم، به موجی‌گری رو آوردم. در گذشته از این طریق می‌توانستم حداقل مصارف روزمره زنده‌گی خود را تأمین کنم، اما چند ماه می‌شود که عاید درست ندارم و بسیاری روزها با دست خالی به خانه برمی‌گردم.»

شیردل شش فرزند قد و نیم‌قد دارد و همسرش به بیماری عصبی مبتلا است. خودش نیز با بیماری قلبی دست‌وپنجه نرم می‌کند و می‌گوید توان خرید ادویه و مراجعه به شفاخانه را ندارد. او در گوشه‌ای از شهر چاریکار زنده‌گی می‌کند. برای شرح بیشتر وضعیتش می‌گوید: «در خانه کسی رایگان نشسته‌ایم و از ما کرایه نمی‌گیرد. خانه ما خشک‌وخالی است.»

علیه آتش زدن قرآن یا برای حمایت از طالبان؛

نمازگزاران مجبور به اشتراک در راه‌پیمایی شده‌اند

حبیب‌الله، یکی از باشندگان شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «طالبان به تمامی دکان‌داران شهر مزارشریف روز پنج‌شنبه هشدار داده بودند که روز جمعه از ساعت ۱۰ قبل‌ازظهر تا ۳:۰۰ بعدازظهر اجازه باز کردن دکان‌های‌شان را ندارند.» حبیب‌الله می‌افزاید: «آنان به دکان‌داران گفته بودند که اگر در اعتراضات اشتراک نکنند، حق باز کردن دکان‌های‌شان را نخواهند یافت.»



۸ صبح، سمنگان

داشت. سیدحمیدالله، باشندگان شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، نیز در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که ملا امام مسجد «امیرعلی شیر نوایی» در جریان خطبه نماز جمعه اطلاعیه طالبان را به خوانش گرفته و توضیح داده است: «بعد از ادای نماز جمعه تمامی نمازگزاران باید در تظاهرات اعتراضی علیه کشور سویدن شرکت کنند. موترهای قوماندانی امنیه و استخبارات شما را برای تظاهرات بدرقه خواهند کرد. هرگاه فردی برای شرکت در تظاهرات مخالفت کرد، نیروهای قوماندانی امنیه و ریاست استخبارات آنان را بازداشت می‌کنند و آنگاه حق شکایت را نداشته باشند.»

این‌همه در حالی است که راسموس پالودان، سیاستمدار افراطی دینارکی - سویدنی در آغاز هفته گذشته در جریان تظاهراتی در بیرون از سفارت ترکیه در شهر استکهلم سویدن، نسخه‌ای از قرآن کریم را با مجوز دولت سویدن آتش زد. این اقدام او، واکنش‌های شماری از کشورهای اسلامی را در پی داشته است.

در کنار سایر کشورها، ۱۷ ولایت افغانستان نیز در سه روز گذشته گواه راه‌پیمایی‌های اعتراضی بوده‌اند. ولایت خوست روز چهارشنبه، ۵ دلو، ولایت‌های قندهار، پکتیا، کندز، ننگرهار، زابل و پکتیکا روز پنج‌شنبه، ۶ دلو و ولایت‌های کابل، بلخ، بدخشان، پکتیا، سمنگان، جوزجان، بغلان، هرات، پنجشیر و هلمند روز جمعه، ۷ دلو، گواه راه‌پیمایی‌های اعتراضی بوده‌اند. در بیشتر این اعتراض‌ها در کنار سر دادن شعار علیه دولت سویدن، راه‌پیمایان شعارهایی در حمایت از طالبان نیز سر داده‌اند؛ اقدامی که به گفته منابع از سوی طالبان بر راه‌پیمایان تحمیل شده است.

این‌همه در حالی است که طالبان از این پیش نیز باشندگان ولایت‌های ننگرهار و غزنی را واداشته‌اند تا علیه حمله هوایی امریکا بر خانه ایمن الظواهری، رهبر شبکه القاعده در کابل، دست به راه‌پیمایی بزنند و علیه امریکا شعار بدهند. منابع خاطرنشان می‌سازند که جنگ‌جویان طالبان نیز با لباس شخصی و بنرهای اعتراضی در میان راه‌پیمایان گشت‌وگذار می‌کنند و راه‌پیمایان را وامی‌دارند تا به حمایت از این گروه نیز شعار دهند.

در سه روز گذشته ۱۷ ولایت کشور گواه راه‌پیمایی‌های اعتراضی بوده‌اند؛ صداهایی که ظاهراً ناراضی‌های شهروندان نسبت به آتش زدن نسخه‌ای از قرآن توسط یک سیاستمدار افراطی دینارکی - سویدنی را نشان می‌دهند. شماری از نمازگزاران در ولایت‌های سمنگان، بلخ و جوزجان اما می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان پس از ادای نماز جمعه، آنان را مجبور کرده که در راه‌پیمایی ضد سویدن اشتراک کنند. به گفته منابع، طالبان بیریق و شعارهایی که در حمایت از این گروه بوده را به نمازگزاران توزیع کرده و دستور داده‌اند که علیه کشور سویدن شعار لعنت سر دهند و در حمایت از طالبان صدا بلند کنند. نوارهای تصویری که در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته، نیز نشان می‌دهد که راه‌پیمایان بیشتر به جای اعتراض علیه دولت سویدن، در حمایت از رژیم طالبان شعار می‌دهند.

حبیب‌الله، یکی از باشندگان شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «طالبان به تمامی دکان‌داران شهر مزارشریف روز پنج‌شنبه هشدار داده بودند که روز جمعه از ساعت ۱۰ قبل‌ازظهر تا ۳:۰۰ بعدازظهر اجازه باز کردن دکان‌های‌شان را ندارند.» حبیب‌الله می‌افزاید: «آنان به دکان‌داران گفته بودند که اگر در اعتراضات اشتراک نکنند، حق باز کردن دکان‌های‌شان را نخواهند یافت.»

عبدالکریم، یکی از دکان‌داران در شهر مزارشریف، روز جمعه، ۷ دلو، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که پس از ادای نماز جمعه جنگ‌جویان طالبان نمازگزاران و جوانان را از مساجد و کوچه‌ها با زور سلاح وادار می‌کردند تا در تظاهرات اشتراک کنند. این دکان‌دار می‌افزاید که جنگ‌جویان طالبان از طریق کلان‌ترها و نماینده‌گان مسجدها در هنگام ادای نماز جمعه اعلام کردند که پس از نماز باید در تظاهرات شرکت کنند، در غیر آن با برخورد «قانونی» نهادهای امنیتی این گروه مواجه خواهند شد.

باشنده‌گان شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، نیز روایت مشابه دارند. یک باشندگان شهر ایبک می‌گوید که جنگ‌جویان طالبان به نمازگزاران هشدار دادند که در صورت عدم اشتراک در تظاهرات، با برخورد «شرعی و قانونی» مواجه خواهند شد و آنگاه حق شکایت را نخواهند

طالبی که می گوید حکومت طالبانی عواقب خطرناک دارد



صمد پاینده

و می خواهند [از قدرت] دور شوید؛ اما شما مثل کبکی ناخواسته برمی گردید و زنده گی، فرهنگ، تعلیم و آئنده ما را خراب می کنید.»

ملا ضعیف در ادامه نوشته است: «من به دوستانم گفتم که چرا جوانان از دیدن ما نگران شدند، هر چند برای آنان پیام صلح و امنیت آورده ایم؟ آن کابلی که به چهار بخش تقسیم شده بود و تمام روز شاهد تلفات جنگی و ویرانی ها بود، اکنون در امن است، اما بازهم آنان از ما هراس دارند.» زیر آن پست اولین کسی به نام بخشی این پاسخ را نوشته است: «ما در مکتب شاگرد بودیم و از طالب ویدیوهایی را دیدیم که سر می بریدند، با سر انسان فوتیال می کردند، یا در میان صد نفر بمب می کفاندند. به همین خاطر از طالب نفرت داریم، ورنه چرا باید یک آدم از آدم دیگر این قدر نفرت وحشت داشته باشد؟»

آقای ضعیف در ادامه نوشته است: «روز دیگر راه افتادیم و به یک میدان بازی کودکان خود را رساندیم. آن جا اطفال کوچک بازی و ساعت تیری می کردند. اما آنان نیز با دیدن ما بازی را رها کرده به خانه رفتند. به دوستانم گفتم: این صحنه را نیز تاریخوار یادداشت کنید.» کمنت اول زیر این پست از جیلانی امید است که نوشته است: «بعضی افراد شد و اصلاحات آورد.» در ادامه عمر قاسمی نوشته است: «تا زمانی که به راه ملت روان نشوید، کامیاب نخواهید شد. شما گم خواهید شد. در جمهوریت زنان، کودکان و ریش سفیدان با هر سرباز مهر می ورزیدند. از شما چرا افغانها نفرت دارند؟»

آقای ضعیف به تاریخ ۲۰ جنوری در ادامه توییت های قبلی اتفاق سومی را از دوران کارش در امارت طالبان نقل کرده و نوشته است: «روز جمعه خواستم به مسجد چهارراهی حاجی یعقوب نماز بخوانم. لباسم را بدل کرده به نیت مسجد راه افتادم. در راه نفری را دیدم با قد بلند و ریش نازک. او چوبی در دست داشت و زنی چادری پوش را با چوب می زد. آن زن به جویچه کنار سرک افتاد. با دیدن این صحنه حواسم را از دست دادم و زمانی متوجه خودم شدم که سر آن مرد را به داخل آب آلوده [جویچه کنار جاده] فرو برده بودم.» ملا ضعیف در ادامه نوشته است که همان دنده به دست را پس از سقوط طالبان در ویدیویی دیده بوده است که با نیروهای اتحاد شمال به سمت کابل می آمده و اجساد کشته گان طالب را با لگد می زده است.

ملا ضعیف در چهارمین خاطره اش نوشته است که روزی کسی گزارش داد که فلان جا قوماندان طالب «مسافرانی را که از خارج آمده اند، به جرم نداشتن ریش زندانی کرده است. به آن جا رفته و افرادی را در توقیف دیدم. آنان را از بند رها کردم و از قوماندان

ملا عبدالسلام ضعیف، از بنیان گذاران امارت طالبان است. او از پانزده ساله گی در اوایل دهه ۸۰ میلادی زمانی که با خانواده اش به پاکستان کوچیده بود، به گفته خودش بعد از آموزش های نظامی در کمپ های آی اس آی با گروهی از مجاهدین به قندهار رفته بود تا علیه نظامیان دولت خلقی ها بجنگد.

پرسیدم که این افراد را چرا توقیف کرده ای؟» ضعیف نوشته است که قوماندان طالب قانع نمی شد و تاکید داشت که این افراد به دلیل نداشتن ریش مستحق مجازات اند. او نوشته است که بعدها متوجه شدیم که آن قوماندان پاتکی سابق و کاملاً بی دانش بوده است و آن ها او را خلع سلاح کردند. ضعیف به این باور است که طالبان و ملاها مردم خوب اند، ولی افراد غیرطالب در درون آنان نفوذ کرده و باعث تخریب چهره نظام طالبانی می شوند. او در این توییت هایش هر دو مورد خشونت را که گزارش داده، به غیرطالبان و افراد نفوذی نسبت داده است. در اولی شخصی وابسته به اتحاد شمال و در دومی قوماندان جهادی پاتک دار عامل خشونت معرفی شده است. او ملا عمر و دساتیرش را نقد نمی کند، ملا هبت الله و فرمان های ضد زن، ضد آموزش، کار و آزادی او را نیز نقد نکرده است، بلکه رفتار قوماندانان، افراد نفوذی و طالبان غیرمدرسه ای را عامل فساد دانسته است. ضعیف، در کتاب دیگری به نام «تصویری از گوانتانامو» راه حل افغانستان را ایجاد حکومت اسلامی عنوان کرده است. او در آن کتاب فصلی را به پیشنهاد راه حل برای «مشکلات افغانستان» اختصاص داده و در آن مدعی شده است که زمام داران نتوانسته اند توطیه های دشمنان را خنثا کنند، بلکه «خودشان مصیبت های بزرگ را به وجود آورده اند.» او عدم اعتماد میان افغانها را مشکل جدی خوانده و گفته است که مشکلات کشور با احترام به ارزش های دینی و عنعنات ملی حل می شود. طالبانی که او می گوید حضورشان در قدرت عواقب خطرناک دارد، نیز مدعی اند که برای حفظ ارزش های دینی و عنعنات ملی آستین بر زده اند. او در آن کتاب پیشنهادش را با این قضاوت پایان داده است که «آبادی خانه مشترک ما و نابودی مشکلات و نابه سامانی های داخلی... در سایه رحمت یک نظام اسلامی میسر است و بس.» ملا ضعیف در ماه های اول برگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، سفیر آن گروه در رسانه ها شده بود و از شکل گیری حکومت اسلامی که در کتابش نوید داده بود، خبر می داد.

زمانی که آقای ضعیف این کتاب را می نوشت، در کابل به سر می برد و امکانات بسیاری در اختیار داشت. موسسات تعلیمی و تحصیلی راه انداخته بود و در نوشتن کتاب هایش یک تیم امریکایی با او همکاری بود. در مقدمه کتاب «زنده گی من با طالبان» الیکس ستریک فان لینسکوتین و فیلیسک کویهن که در ظاهر ویراستاران نسخه انگلیسی کتاب آقای ضعیف هستند، نوشته اند که قریب چهار سال یک «انجمن کوچک محققان، روزنامه نگاران و کارشناسان خارج از افغانستان و همچنین تعداد زیادی از دوستان و همکاران افغان از کابل، قندهار و دیگر نقاط جنوب افغانستان با ما مساعدت کرده اند» تا کتاب خاطرات ملا ضعیف را بنویسیم! به نام هایی که در آن مقدمه از تیم خارجی دخیل در نوشتن و ویرایش کتاب ملا ضعیف مشغول بوده اند، توجه کنید: الیکس ستریک فان لینسکوتین و فیلیسک کویهن ویراستاران و در

واقع نویسنده گان اصلی، دومینیک مک کان و گرید اسمیت، کاترین گانلی، لیزا وایزفلد، آنا پترسون، بیژن نشات، اسکات پیترسون، جاش فوست، نعیم رشید، استاد اناتول لیون، مایکل دوایر، جوآنه ناتان، ثریا سرحدی نلسون، ریچارد اسکارات، جیسکای بری، جن مکنزی، جیسون لیوت، جیری ون دیک و پاول فیشتن که برخی کارشناس، عده ای محقق و کسانی نظریه پرداز و مشاور نویسنده بوده اند. به گفته مقدمه نویس، تعدادی از این افراد در کابل شبانه گردهم آمده نظریه هایی را به اشتراک می گذاشتند تا کتاب آقای ملا ضعیف نوشته شود! نام تعدادی از افراد که احتمالاً به دلایل سیاسی ذکرشان لازم نبوده، به شکل اختصار درج شده است، از جمله این ها: ان پی، ای آر دبلیو، کی دی و زید دی.

یک لیست از افغان هایی که در قندهار به عنوان منبع با نویسندگان مصاحبه کرده و در دادن اطلاعات همکاری نموده اند، نیز در آن مقدمه ذکر شده است. این ها به ما چه می گویند؟ برداشت من این است که ملا ضعیف توانایی تمویل چنان پروژه چهارساله را نداشته است و او یکی از افرادی بوده است که روی شان به عنوان «طالبان معتدل» سرمایه گذاری شده بود. نوشتن کتاب ها، ساختن مدرسه، مکتب و دانشگاه برای ملا ضعیف بدون حمایت خارجی در کابل ممکن نمی شد. کتاب در سال ۲۰۰۹ نشر شده است، زمانی که آوازه های مذاکرات و تماس های پنهان با طالبان سر زبان ها افتاده بود. در سال های پس از آن، ملا ضعیف به محافل و نشست های امنیتی و «تحقیقاتی» مرتبط به مذاکرات صلح نامی مشهور شد و به کشورهای غرب و خلیج فارس سفر می کرد، در میزگردها اشتراک می ورزید و برای برگشت طالبان کمین می نمود. بدون حمایت و پول امریکا این فعالیت ها در آن سال ها برای یک زندانی سابق گوانتانامو، ممکن نبود. طالبان در نهایت برگشتند و کسانی چون ملا ضعیف که پیش از آن در کابل می گفتند رابطه سیاسی با طالبان ندارند، برای ساختن امارت تبلیغات وسیعی راه انداختند و با رسانه ها از شکل گیری حکومت مسوول سخن گفتند. او در اواخر ماه اگست در مصاحبه با رسانه العربی الجدید گفته بود: «دولت تحت عنوان امارت اسلامی خواهد بود. تمام گروه ها و احزاب افغان در آن شرکت خواهند کرد.» او گفته بود که طالبان بعد از سیطره بر کابل، به دو مساله مهم تمرکز خواهند کرد؛ یکی تامین امنیت و جلب حمایت مردم و دیگر مقابله با بحران اقتصادی و چالش های آن. این ها اهدافی نبود که ملا هبت الله و همراهانش اعلام کرده باشند، بلکه چیزهایی بود که در محافل دیپلماتیک منطقه و جهان زمزمه می شد.

آقای ضعیف در کتاب زنده گی نامه اش که در بالا از آن صحبت کردیم، تلاش کرده خود را انسانی اصولی، بی علاقه به قدرت و راست کار نشان دهد. او نوشته است که ملا عمر او را با فرمان و خلاف میلش به پست های اداری و سیاسی منسوب می کرد و هر بار او می کوشید از آن مناسب کنار رفته به مطالعه، تدریس و آموزش روی آورد. در توییت های اخیرش نیز مدعی شده است که در زمان ملا عمر به این نتیجه رسیده بود که حضور طالبان و ملاها در قدرت عواقب خطرناک دارد. اما، سوابق سیاسی و نقشی که او بعد از بیرون شدن از زندان گوانتانامو برای برگشت امارت ادا کرد، خلاف این ادعاهای او را ثابت می کند. او در توییت تازه اش به تاریخ ۲۴ جنوری نوشته است: «هن زمانی به نتیجه رسیدم [که حضور طالبان در قدرت درست نیست] که استفاده نام طالب با حیثیت آن در تضاد بود. بعد آن نتیجه را به امیرالمومنین [ملا عمر] شریک کردم. به امیرالمومنین تمام واقعاتی را که به چشم سر دیده بودم، گفتم. بعد برایش گفتم که من به این نتیجه رسیده ام که از آدرس طالب و عالم حکومت کردن، ممکن است آهسته آهسته منجر به عواقب خطرناک شود. چرا که هر کس در اداره و نظام از این آدرس استفاده می کند؛ دزد، رشوت خوار، مفسد و دیگران. تمام بدنامی به نام طالب و ملا ختم می شود. مسوولیت دنیوی و اخروی هم به آنان راجع می گردد.»



طالبی که می گوید...



استخباراتی که دارد، بادهای تغییر را حس کرده است؟ آیا او انسانی ساده لوح است که فریب کمپین وسیع خارجی و داخلی را خورده بود و تصور می کرد با آمدن طالبان به قدرت نظام همه شمول شکل می گیرد و با حمایت امریکا و متحدانش امارتی به وجود می آید که ثبات، امنیت و پیشرفت اقتصادی را تضمین کند و حالا با دیدن دوباره چهره زشت دوستانش در آیین حکومت می گوید خود را براثت بدهد؟

درسی که ما می توانیم از سوابق ملا ضعیف و امثال شان بگیریم، این است که طالبان امریکایی، قطری، پاکستانی، ایرانی و روسی تفاوت چندانی از هم ندارند. ملا ضعیفی که خود را چهره متفکر می گیرد، کتاب می نویسد و دانشگاه تاسیس می کند، نیز کسی نیست که نیازهای مردم افغانستان را درک کند و به ضرورت ایجاد یک حکومت مدرن و دموکراتیک تن دهد. او در توییت به خاطر املاهای پست های پشتویش تمسخر می شود. مردم از او می پرسند که چرا چند خط متن معیاری به زبان مادری اش، به همان زبانی که ملا شده و تا صنف ۱۰ مکتب خوانده، نوشته نمی تواند. املا و انشای ضعیف توییت ها، باعث شده است که کسانی بگویند حساب از ملا ضعیف نیست، نثار احمد فراهی زیر یک پستش نوشته است که این حساب از ملا ضعیف نیست. عطا محمد عمری نوشته است: «ملا ضعیف این قدر بی سواد نیست. به خطش ببینید.» اما او ملا ضعیف است؛ ملا ضعیفی که نهادهای بین المللی و تبلیغات سیاسی از او یک چهره متفاوت تر از ملا نام محمد ندیم و ملا حسن آخوند ترسیم کرده و او میان آن چه هست و آن چه پروژه ها از او انتظار دارند، سرگردان است.

و رفاه خواهی، آزادی طلبی، تفریح و شادی را نشانه های فساد عنوان کرده اند. این که ملا ضعیف یک ونیم سال پس از حاکمیت مجدد طالبان، سپری کردن دوره نمایندگی از آن گروه در نشست های آشکار و پنهان مذاکرات در یک ونیم دهه گذشته و تبلیغ امارتی همه شمول که تامین امنیت و حل بحران اقتصادی را در اولویت خواهد داشت، تعلیم و تحصیل را حمایت خواهد کرد و نظام ملی و اسلامی نمونه خواهد ساخت، اکنون مدعی شده است که از سال های آغاز حاکمیت طالبان باور داشته است که حکومت کار ملا و طالب نیست، چه چیزی را در مورد دیدگاه و شخصیت ملا ضعیف می گوید؟ آیا ملا ضعیف به ناکامی امارت یقین کرده و با توجه به روابط

این نتیجه گیری ملا ضعیف همان چیزی است که مخالفان طالب می گویند: ملا و طالب نباید دین را حربه سیاست سازند و قدرت را به نام شریعت و خداوند انحصار کرده نظام، فرهنگ، اداره، تعلیم، کار و آزادی های مردم را لگدمال کنند. مخالفان طالب می گویند نظام سیاسی و اداری کشور باید بر اساس قراردادهای اجتماعی و قانون استوار باشد. ملا ضعیف و هم فکران شان در تمام این چهل و چند سال جنگ و بحران مدعی بوده اند که راه حل افغانستان در ایجاد حکومت اسلامی یا امارت اسلامی است که مسوولیت اصلی اش دفاع از ارزش های اسلامی و عنعنات ملی باشد. هر جا آنان از نظام و حکومت داری صحبت کرده، به عنعنات و عبادات پرداخته

نواک جوکوویچ با غلبه بر تلمی پل به فینال رقابت اوپن استرالیا رسید

نواک جوکوویچ صربستانی، در دیدار نیمه نهایی رقابت های تنس اوپن استرالیا، با شکست تامی پل امریکایی به فینال این رقابت ها رسید. این دیدار روز جمعه، ۲۷ جنوری، در ورزشگاه راد لیور آرنا استرالیا برگزار شد. جوکوویچ در این دیدار در سه ست با نتایج ۷ بر ۵، ۶ بر ۱ و ۲ بر ۲ را شکست داد. این تنس باز صربستانی با شکست حریف امریکایی اش، حریف استفانوس سیتسیپاس یونانی در فینال شد. سیتسیپاس، قبل از این دیدار کارن خاچانوف روسی را شکست داده و اولین فینالیست رقابت های اوپن استرالیا شده بود. دیدار نهایی میان این دو تنس باز قرار است روز یکشنبه، ۲۹ جنوری، برگزار شود. رقابت های تنس اوپن استرالیا ۹ جنوری آغاز شده و قرار است تا دو روز دیگر پایان یابد.



سازمان جهانی نظارت بر تسلیحات شیمیایی: دولت سوریه در جریان جنگ های داخلی از سلاح شیمیایی استفاده کرده است



سازمان جهانی نظارت بر تسلیحات شیمیایی گفته که تحقیقات این سازمان نشان می دهد که دولت سوریه در جریان جنگ های داخلی این کشور از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. اسوشیتد پرس روز جمعه، ۲۷ جنوری، به نقل از سازمان جهانی نظارت بر تسلیحات شیمیایی این موضوع را گزارش داده است. به گفته این سازمان، دلایل معقولی برای این باور وجود دارد که نیروی هوایی سوریه دو کپسول حاوی گاز کلور را در ماه اپریل سال ۲۰۱۸ بر شهر دوما پرتاب کرده که منجر به کشته شدن ۴۳ تن شد. فرناندو آریاس، مدیر کل سازمان منع سلاح های شیمیایی، گفته است: «استفاده از سلاح های شیمیایی در دوما و هر کجا غیر قابل قبول و نقض قوانین بین المللی است.» در این گزارش آمده است که «دلایل معقولی برای باور وجود دارد که در جریان حمله نظامی دولت برای بازپس گیری دوما، حداقل یک بالگرد Mi-8 نیروی هوایی سوریه دو کپسول زرد رنگ را بر روی این شهر انداخته است. سازمان جهانی نظارت بر تسلیحات شیمیایی مدعی شده است که مقام های سوری از

پاکستان پس از شش سال قصد دارد خدمات بس رانی «پاک-افغان دوستی» را از سر بگیرد



شاه فهد گفته است: «اکثر ذی نفعان با گسترش حمایت و همکاری برای از سرگیری خدمات بس رانی پاک-افغان دوستی موافقت کرده اند.» مقام های پاکستان از سرگیری این خدمات را برای تأمین بیشتر ارتباط مردم دو کشور و کشف فرصت های تجاری و تسهیل آن پراهمیت عنوان کرده اند. پس از توافق میان طالبان و پاکستان در این مورد، قرار است ۴۰ بس مسافری بین پشاور و جلال آباد تردد کنند. وزارت ترانسپورت طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته است. خدمات ترانسپورتی «پاک-افغان دوستی» در ماه جنوری ۲۰۱۶ پس از تبادل آتش شدید میان نیروهای امنیتی مرزی افغانستان و پاکستان به دلیل ایجاد دروازه از سوی پاکستان در نقاط مرزی، به حالت تعلیق در آمده است.

۸ صبح، کابل: یک مقام پاکستانی گفته است که دولت این کشور امکان از سرگیری خدمات ترانسپورتی «پاکستان-افغانستان دوستی» را برای افزایش تماس میان دو کشور بررسی می کند. شاه فهد، معاون کمیشنر ناحیه قبیله ای خیبر پاکستان روز جمعه، ۷ دلو، به روزنامه دان از بررسی این موضوع در میان مقام های محلی و امنیتی در مرز اسپین بولدک خبر داده است. تصمیم برای از سرگیری خدمات بس رانی، پس از سلسله تماس ها و نشست هایی در سطح وزیران بین گروه طالبان و دولت پاکستان از جولای ۲۰۲۲ از سر گرفته شده است. بر بنیاد گزارش، دولت پاکستان تلاش دارد تا بزرگان قومی و سایر ذی نفعان را در مورد اهمیت از سرگیری این خدمات ترانسپورتی قانع کند و تا هنوز پیشرفت هایی هم در این زمینه صورت گرفته است.

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سردبیر: حبیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش ها: فهیم امین

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

سازمان حقوق بشر ایران اعلام کرده است که در جریان اعتراضات ضد حکومتی در این کشور، دست کم ۴۸۸ نفر جان‌های خود را از دست داده‌اند. سازمان حقوق بشر ایران روز جمعه، ۲۷ جنوری، اعلام کرده است که در جریان اعتراضات علیه دولت این کشور تا کنون دست کم ۴۸۸ تن از جمله ۶۴ کودک و ۳۹ زن جان‌های خود را از دست داده‌اند. این سازمان افزوده است که بیشترین کشته‌های اعتراضات از ولایت‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، تهران، کردستان و مازندران بوده‌اند. به گفته این سازمان، همچنان ۱۰۷ تن از بازداشت‌شده‌گان در خطر صدور یا اجرای حکم اعدام قرار دارند که ۱۹ تن از آن‌ها به اعدام محکوم شده‌اند و برخی از آنان در مرحله فرجام‌خواهی قرار دارند.



تشدید حملات توپ‌خانه‌ای روسیه پس از ارسال تانک‌های غربی به اوکراین

خود به عمق خاک اوکراین حمله کرده بود که به گفته مسوولان اوکراینی ۱۱ تن در آن کشته شدند. ارتش روسیه در حالی بر شدت حملات توپ‌خانه‌ای به اوکراین افزوده که کی‌یف به‌تازگی از مقابله با موجی دیگر از حملات موشکی و پهپادی علیه شهرهای این کشور خبر داده بود. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، امروز بار دیگر تاکید کرد که ارسال تانک‌های غربی به اوکراین وضعیت جنگ را به نفع کی‌یف تغییر نمی‌دهد.

خارکیف در اثر حملات نیروهای روسی جان باخته‌اند. این در حالی است که آمریکا و آلمان موافقت خود را با ارسال تانک‌های سنگین و پیش‌رفته ساخت کشورهای شان به اوکراین به منظور مقابله با تهاجم نظامی روسیه اعلام کرده‌اند. برخی از کشورهای دیگر غربی از جمله ناروی، پولند و کانادا نیز متعهد شده‌اند که تعدادی از تانک‌های مدرن خود را از انبارهای شان به اوکراین ارسال کنند. ارتش روسیه یک روز پیش از این نیز با موشک و پهپادهای

دفتر ریاست جمهوری اوکراین از کشته شدن دست‌کم ۱۰ تن در موج تازه و گسترده حملات توپ‌خانه‌ای ارتش روسیه به این کشور خبر داده است.

در بیانیه‌ای که روز جمعه، ۲۷ جنوری منتشر شده، آمده است که افزون بر کشته شدن ۱۰ غیرنظامی، دست‌کم ۲۰ تن دیگر در جریان این حملات زخمی شده‌اند. طبق معلومات مقام‌های اوکراینی، شش تن در منطقه دونتسک، دو تن در خرسون و دو تن دیگر نیز در منطقه



باستان‌شناسان از کشف «قدیمی‌ترین» مومیایی در مصر خبر دادند

رهبر یک گروه حفاری در مصر گفته است که یک مقبره فراعنه را در نزدیکی قاهره، پایتخت مصر، کشف کرده‌اند که احتمالاً «قدیمی‌ترین» و «کامل‌ترین» مومیایی است که تاکنون کشف شده است. زاهی حواس، مدیر این گروه از باستان‌شناسان، روز پنج‌شنبه، ۲۶ جنوری، به خبرنگاران گفته است که این مومیایی چهار هزار و ۳۰۰ ساله در نزدیکی هرم پله در گروهی از مقبره‌های سلسله پنجم و ششم، پیدا شده است.

حواس، یکی از وزیران سابق آثار باستانی مصر، در بیانیه‌ای گفت: «این مومیایی ممکن است قدیمی‌ترین و کامل‌ترین مومیایی باشد که تا به امروز در مصر کشف شده است.»

در بیانیه آمده است که مجسمه‌های متعددی در میان مقبره‌ها پیدا شده که یکی از آن‌ها به نماینده‌گی از یک مرد و همسرش و چند خدمتکار است. طبق معلومات، در میان دیگر مقبره‌های یافت‌شده، یکی از آن‌ها متعلق به خنومجدف، بازرس مقام‌ها، ناظر اشرف و کشیش در زمان سلطنت یونس، آخرین فرعون سلسله پنجم، است.

ترامپ: از جان بولتون برای ارباب رهبران خارجی استفاده کردم

افراد دولت دیدم، اما با افتخار می‌گویم که از او به‌خوبی استفاده کردم. گفتنی است که جان بولتون در موقعیت‌های مختلف امنیت ملی آمریکا کار کرده و در اپریل ۲۰۱۸ مشاور امنیت ملی دولت ترامپ شد. او در سپتامبر ۲۰۱۹ این سمت را ترک کرد. پس از آن آقای بولتون به‌عنوان یکی از منتقدان ترامپ ظاهر شده و روز پنج‌شنبه در گفت‌وگو با سی‌بی‌اس گفت که در حال بررسی راه‌اندازی کمپین ریاست جمهوری ترامپ نوشته است: «من جان بولتون را یکی از احق‌ترین

رییس جمهور پیشین آمریکا با «احق» خطاب کردن جان بولتون، مشاور امنیت ملی حکومتش، گفته است که از او برای ارباب رهبران خارجی استفاده کرده است. «نیوز ویک» روز جمعه، ۲۷ جنوری، گزارش داده است که دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین آمریکا، پس از مصاحبه‌ای که بولتون با سی‌بی‌اس نیوز انجام داد و در آن انتخاب مجدد ترامپ در سال ۲۰۲۴ را برای حزب جمهوری‌خواهان «سم» توصیف کرد، این انتقادات را در پلتفرم «Truth Social» خود مطرح کرده است. ترامپ نوشته است: «من جان بولتون را یکی از احق‌ترین



حمله بر سفارت آذربایجان در تهران؛ باکو سفارتش را تخلیه می‌کند



شماری از کشورها از جمله روسیه و ترکیه این حمله را محکوم کرده‌اند. این نخستین بار است که سفارت آذربایجان در تهران مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرد.

علی‌اف گفته است: «ما خواستار آن هستیم که این اقدام تروریستی هر چه سریع‌تر بررسی و عوامل آن مجازات شوند. حمله تروریستی بر نماینده‌گی‌های دیپلماتیک غیرقابل قبول است.» وزارت امور خارجه ایران گفته است که این حمله انگیزه شخصی داشته است. نیروهای امنیتی ایران عامل تیراندازی در این سفارت را بازداشت کرده‌اند. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در واکنش به این حمله گفته که این رویداد با «حساسیت بالا» در حال بررسی است.

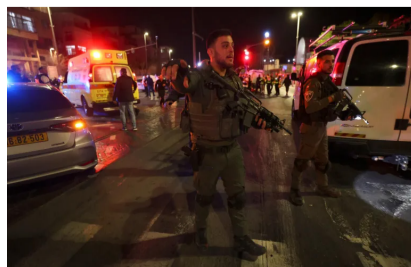
رسانه‌های ایرانی از حمله مسلحانه بر سفارت آذربایجان در تهران، پایتخت ایران، خبر داده‌اند. این حمله بامداد جمعه، ۲۷ جنوری، رخ داده و در نتیجه آن یک تن کشته و دو تن دیگر زخمی شده‌اند. طبق گزارش‌ها، مهاجم یکی از مأموران حفاظت و فرد کشته‌شده رییس تیم امنیتی این سفارت بوده است. الهام علی‌اف، رییس جمهوری آذربایجان، با تروریستی خواندن این حمله، آن را به‌شدت محکوم کرده است. آذربایجان تهران را مسوول حفاظت از اماکن دیپلماتیک دانسته و اعلام کرده که سفارتش در ایران را تخلیه می‌کند.

یک مرد مسلح در حمله به بیت‌المقدس شرقی دست‌کم هفت تن را کشت

رسید، مردی مسلح از آن خارج شد و تیراندازی کرد. منابعی از بخش صحت اسرائیل می‌گویند که پنج تن کشته شده‌اند. برخی رسانه‌ها گزارش می‌دهند که دست‌کم هفت تن کشته شده‌اند. در بیانیه پولیس اسرائیل آمده است: «حمله تروریستی در کنیسه‌ای در اورشلیم صورت گرفت - تروریست تیرانداز در محل خنثا شد. نیروهای پولیس در محل حضور دارند.» گفتنی است که روز گذشته ده‌ها سرباز اسرائیلی به خانه‌ای که محل بودباش جنگ‌جویان مظنون بود، هجوم بردند و نه فلسطینی از جمله یک زن مسن را کشتند که منجر به چندین ساعت درگیری شدید نیز شد.

کشته شد. مقام‌های صحی اسرائیل اعلام کرده‌اند که پس از تیراندازی روز جمعه، ۲۷ جنوری، دست‌کم ۱۰ تن از زخمیان رویداد در شفاخانه تحت مداوا قرار گرفته‌اند که حال برخی از آن‌ها وخیم است. این تیراندازی به دنبال حمله مرگ‌بار روز پنج‌شنبه اسرائیل به کرانه باختری بر اردوگاه آواره‌گان جنین انجام شد که در آن نه فلسطینی کشته شدند. پولیس اسرائیل اعلام کرده است که فرد مهاجم در محل حادثه هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. جیمز بیز به خبرگزاری الجزیره گفته است: «آن‌چه ما متوجه شدیم، این بود که موتری در جلوی یک کنیسه

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که یک مرد مسلح در بیرون کنیسه‌ای در شرق بیت‌المقدس تیراندازی کرد و دست‌کم هفت تن را کشت و سپس به ضرب گلوله



فرانسه و عراق توافق نامه‌های راهبردی اقتصادی و امنیتی امضا کردند

رهبران فرانسه و عراق مجموعه‌ای از توافق‌نامه‌های راهبردی اقتصادی و امنیتی میان دو کشور را امضا کرده‌اند. کاخ الیزه روز جمعه، ۲۷ جنوری، از امضای این توافق‌نامه‌ها میان امانوئل مکرون، رییس جمهور فرانسه و محمد شیعه السوداني، نخست‌وزیر عراق، خبر داده است.

این توافق‌نامه‌ها به منظور تقویت همکاری اقتصادی عراق با این کشور اروپایی امضا شده است. از سویی هم رهبران دو کشور معاهده‌ای را امضا کرده‌اند که دو کشور را ملزم به همکاری‌های دوجانبه در زمینه مبارزه با فساد، امنیت، انرژی‌های تجدیدپذیر و فرهنگ می‌کند.

دفتر نخست‌وزیر عراق نیز امضای این توافق‌نامه‌ها میان بغداد و پاریس را تأیید کرده است. این در حالی است که حجم مبادلات تجاری فرانسه و عراق در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۵۰ میلیون دلار بوده و در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ۸۰۰ میلیون دلار رسیده بود. هرچند در سال ۲۰۲۰ به علت پیامدهای ناشی از کرونا ۵۰ درصد کاهش یافت، اما این رقم در سال ۲۰۲۱ افزایش داشت؛ زیرا پاریس حدود سه میلیارد دلار در بخش نفت در اقلیم کردستان عراق سرمایه‌گذاری کرد.